

دو بال یک پرنده: برابری زنان و مردان^۱

آزادی زنان، رسیدن به برابری کامل میان زنان و مردان، برای پیشرفت انسان و تحوّل جامعه ضرورت اساسی دارد. نابرابری نه تنها پیشرفت زنان را به تأخیر می‌اندازد، بلکه مانع از ترقی تمدن می‌شود. محرومیت مداوم نیمی از جمعیت جهان از حقوق برابر، توهینی به منزلت انسانی است. چنین امری سبب ترویج نگرش‌ها و عادات مخرب و زیانباری در مردان و زنان می‌شود که از خانواده به محلّ کار، به زندگی سیاسی، و نهایتاً به روابط بین‌المللی سرایت می‌کند. نابرابری را بر هیچ مبنایی اعم از اخلاقی، زیست‌شناختی، یا سنتی نمی‌توان توجیه کرد. جوّ اخلاقی و روانشناختی لازم برای آن که بتواند کشور ما را به استقرار عدالت اجتماعی قادر سازد و در صلح جهانی مشارکت دهد تنها زمانی ایجاد خواهد شد که زنان به هم راهی و هم گامی کامل با مردان در جمیع میدان‌های سعی و تلاش دست یابند.

ظلم و ستم سازمان‌یافته بر زنان واقعیتی مشهود و مصیبت‌بار در تاریخ است. زنان که به حیطه‌های محدود فعالیت در زندگی جامعه محکوم شده، از فرصت‌های تحصیلی و حقوق اساسی بشر محروم شده، در معرض خشونت قرار گرفته، و غالباً به عنوان موجودی مادون رتبه انسانی با آنها رفتار شده، از تحقّق استعدادهای بالقوه و ظهور و بروز توانایی مکنون‌شان باز داشته شده‌اند. الگوهای دیرین انقیاد و فرمانبرداری، که در فرهنگ و ادبیات مردمی و در هنر و قانون و حتی صحف مذهبی منعکس گردیده، همچنان بر کلیه وجوه زندگی سایه افکنده است. به رغم ترقیات در حقوق سیاسی و مدنی برای زنان در امریکا و پذیرش گسترده برابری اساسی، هنوز مساوات کامل برقرار نشده است. اثرات مخرب تعصّب جنسی گسلی در زیر ساخت و شالوده حیات ملی ما است. دست آوردهای حاصله برای زنان به نحوی متزلزل بر پایه فرضیات تغییرنیافته و غالباً بررسی نشده موروثی قرار دارد. هنوز راه درازی را باید پیمود. حصول برابری کامل مستلزم درکی جدید است از این که ما که هستیم، هدف ما در زندگی چیست، و ارتباط ما با یکدیگر چگونه است – درکی که ما را وادار خواهد کرد زندگی خود واز آن طریق جامعه مان را شکلی جدید بخشیم.

در هیچ زمانی از لحظه تأسیس جنبش حقوق زنان در امریکا تا کنون، نیاز به تمرکز بر این موضوع بیشتر از اکنون نبوده است. ما در آستانه قرنی جدید و هزاره‌ای نوین هستیم. معضلات آنها از هم‌اکنون در فراروی ما قرار دارد و بر خانواده‌های ما، سبک زندگی ما، ملت ما، و دنیای ما تأثیر می‌گذارد. در فرایند تکامل انسان، عصرهای نوزادی و کودکی سپری شده و به گذشته تعلق دارد. تلاطمات و ناآرامی‌های نوجوانی به گندی و تلخی، ما را برای عصر بلوغ آماده می‌سازد؛ یعنی زمانی که تعصّب و استثمار به کلی از بین رفته و وحدت تأسیس شده باشد. عناصر لازم برای متحد ساختن امم و ملل دقیقاً همان مواردی است که برای حصول برابری زنان و مردان و بهبود روابط بین آنها لازم است. تلاش برای غلبه بر تاریخ نابرابری مستلزم مشارکت کامل تمام مردان، زنان، جوانان و کودکان است.

متجاوز از یک قرن پیش، برای اولین بار در تاریخ ادیان، حضرت بهاءالله، شارع امر بهائی، در اعلان مقصود خداوند برای این عصر و زمان، اصل برابری زنان و مردان را اعلام کرده فرمود، "انث و ذکور عندالله واحد بوده"^۲ به بیان حضرت بهاءالله، تثبیت امتیازات و حقوق برابر برای زنان و مردان پیش‌شرطی برای وصول به وحدتی گسترده‌تر است که رفاه و امنیت جمیع امم را تضمین خواهد کرد. آثار بهائی با وضوح و قاطعیت اعلام می‌دارد که، "چون یک نوع بشر یک نوع تعلیم یابد، وحدت رجال و نساء اعلان گردد، بنیان جنگ و جدال برافتد."^۲

به این ترتیب، بینش بهائی درباره برابری بین دو جنس بر پایه اصل مهم روحانی وحدت عالم انسانی استوار است. اصل یگانگی مستلزم "هیأت جمعیت را به منزله شخص واحد پنداشتن و نفس خود را عضوی از اعضای این هیأت مجسمه انگاشتن"^۴ و "الم و تأثر هر جزئی سبب تألم کل اجزاء هیأت بالبداهه تیقن نمودن"^۵ است. حضرت بهاءالله تعلیم می‌دهند که هدف خداوند از خلقت، رسیدن به وحدت در میان جمیع امم جهان است.

هَلْ عَرَفْتُمْ لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ وَاحِدٍ؟ لَيْلًا يَفْتَخِرُ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ. وَ تَفَكَّرُوا فِي كَلِّ حِينٍ فِي خَلْقِ أَنْفُسِكُمْ إِذَا يَنْبَغِي كَمَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ شَيْءٍ وَاحِدٍ أَنْ تَكُونُوا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ يَخِيْتُ تَمْشُونَ عَلَى رِجْلِ وَاحِدٍ وَ تَسْكُنُونَ فِي أَرْضٍ وَاحِدَةٍ حَتَّى تَظْهَرَ مِنْ كَيْنُونَاتِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَأَفْعَالِكُمْ آيَاتُ التَّوْحِيدِ وَ جَوَاهِرُ التَّجْرِيدِ. (کلمات مکنونه عربی، شماره ۶۸)

مشارکت کامل و برابر زنان در کلیه عرصه‌های زندگی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، از بین بردن جنگ، و تأسیس غایی دنیایی متحد ضروری است. در آثار بهائی، برابری زنان و مردان پایه و بنیاد نقشه الهی برای پیشرفت و سعادت بشر است:

عالم انسانی را دو بال است؛ یک بال رجال و یک بال نساء. مادام که این دو بال قدرت مساوی نداشته باشند، طیر پرواز نکنند. مادام که نساء به رتبه رجال واصل نگردند، از همان عرصه فعالیت نصیب نبرند، توفیق فوق‌العاده برای عالم انسانی تحقق نیابد؛ عالم انسانی به اعلی مدارج حقیقیه واصل نشود. وقتی دو بال ... قدرت مساوی یابد و از حقوق مساوی نصیب برد پرواز انسان به مراتب متعالی‌تر و بلندتر گردد. (ترجمه؛ خطابه ۲۵ اکتبر ۱۹۱۲)

در آثار بهائی بیان می‌کند که اعلام برابری عبارت از نفی تفاوت وظائف زنان و مردان نیست بلکه تأیید نقش‌های مکملی است که زنان و مردان در خانه و کل جامعه ایفا می‌کنند. حضرت بهاءالله با بیان این مطلب که کسب علم و دانش به منزله "مرفقات است از برای صعود"^۶، تعلیم و تربیت مساوی برای زنان و مردان را توصیه می‌فرماید اما تصریح می‌کنند که وقتی منابع محدود باشد، اولویت باید به تعلیم و تربیت زنان و دختران داده شود. تعلیم و تربیت دختران دارای اهمیت اساسی است زیرا، اگرچه پدر و مادر، هر دو، دارای مسئولیت برای تربیت فرزندان هستند، اما با وجود مادران تربیت شده و تعلیم دیده منافع علم و دانش را به بهترین و مؤثرترین وجه می‌توان در سراسر جامعه انتشار داد. احترام به مقام مادری و حمایت از آن غالباً به عنوان توجیهی برای محروم نگه داشتن زنان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده بوده است. این نتیجه‌گیری تبعیض‌آمیز و توهین‌آمیز است که باید تغییر نماید. به مقام مادری احترام و منزلت عظیمی، آنطور که مقتضی است، اعطا و به تربیت کودکان اهمیت زیادی داده شده است. در آثار بهائی در خصوص مقام والای مادری آمده است، "ای مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان اعظم پرستش و عبادت تربیت کودکان است به آداب کمال انسانیت ..."^۷ مشکل بزرگی که فراروی جامعه قرار دارد ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی برای مشارکت کامل و مساوی زنان در جمیع وجوه زندگی و در عین حال تقویت وظائف حیاتی مادری است.

تعلیم بهائی با تصریح بر این که زنان و مردان از "مقرّر و مقام"^۸ واحد برخوردارند و "قوا و مواهب الهی را به طور یکسان دریافت می‌کنند"^۹ الگویی از برابری مبتنی بر مفهوم مشارکت را عرضه می‌کند. تنها زمانی که زنان در کلیه زمینه‌های زندگی مشارکت کامل داشته باشند و به عرصه‌های مهمّ تصمیم‌گیری وارد شوند عالم انسانی آماده خواهد بود مرحله بعدی از توسعه جمعی خود را شروع کند. در آثار بهائی مؤکداً ذکر شده که زنان بزرگترین عامل در تأسیس صلح عمومی و حکمیت بین‌المللی خواهند بود. "زمانی می‌رسد که نسوان در جمیع امور عالم به طور کامل و برابر شرکت نمایند؛ زمانی که آنها در کمال اطمینان و با قابلیت و کفایت تام وارد عرصه حقوق و سیاست شوند، جنگ بالمره متوقف گردد. زیرا زنان مانع و رادع آن خواهند بود."^{۱۰}

از بین بردن تبعیض علیه زنان ضرورتی روحانی و اخلاقی است که باید نهایتاً تمهیدات و ترتیبات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی فعلی را شکلی جدید بخشد. ترویج ورود تعداد بیشتری از زنان در مناصب برجسته و مرجع اقدامی لازم اما ناکافی در ایجاد نظام عادلانه اجتماعی است. بدون تغییرات بنیادی در نگرش‌ها و ارزش‌های افراد و در خصایل و عادات زیربنای مؤسسات اجتماعی، برابری کامل بین زنان و مردم قابل حصول نیست. جامعه‌ای که بر پایه مشارکت و هم‌گامی استوار باشد، جامعه‌ای که پرخاشگری و تعرض و استفاده از زور در آن جای خود را به همکاری و مشورت بدهد، مستلزم تحوّل در قلب انسانی است.

در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن قوی‌تر و زورمندتر بود بر او غالب و مسلط بود. ولی حال، وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است و به این مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است ... عصری خواهد بود که در آن دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هماهنگی در مدنیت به طور یکسان مؤثر خواهند بود.^۱

مردان دارای وظیفه‌ه گریزناپذیر ترویج برابری زنان هستند. فرضیه تفوق و برتری مردان مانع از ارتقاء زنان شده از ایجاد محیطی که برابری بتواند بر آن حاکم باشد جلوگیری می‌نماید. اثرات مخرب نابرابری، مردان را از رسیدن به بلوغ و اتّصاف به صفات لازم جهت حلّ معضلات هزاره جدید باز خواهد داشت. در آثار بهائی ذکر شده، "مادام که نساء از وصول به اعلی مدارج امکانات خود ممنوع باشند، رجال هم قادر به وصول به عظمتی که می‌تواند به آنان تعلق داشته باشد نیستند."^۲ ضروری آن که مردان نگرش‌ها، احساسات، و رفتاری که عمیقاً در عادات فرهنگی ریشه دوانده، مانع از مشارکت برابر زنان گردیده، و رشد مردان را متوقف ساخته مورد بررسی دقیق و سنجیده قرار دهند. تمایل مردان به قبول مسئولیت برای برابری، محیطی مناسب برای ترقی پدید خواهد آورد: "وقتی زنان ترقی کنند که مردان خود شهادت دهند که زنان با ما مساویند؛ حاجت به جدال و نزاع نیست."^۳ وضعیت دیرین و عمیقاً ریشه‌دار نابرابری باید به کلی از بین برود. غلبه بر چنین وضعیتی مستلزم "محبت خالص و صبر و شکیبایی تامّ و خضوع و خشوع حقیقی و اتّخاذ تمهیدات بالغه و توسل به ذیل حکمت و متانت و بذل همّت و استقامت توأم با ادعیه و مناجات"^۴ است.

نهایتاً، حضرت بهاء‌الله وعده می‌دهند، روزی خواهد رسید که مردان در جمیع وجوه زندگی از زنان استقبال خواهند کرد. اکنون زمان مقتضی برای حرکت قاطعانه به سوی آینده موعود فرا رسیده است.

^۱ بیانیه محفل ملی بهائیان آمریکا در سال ۱۹۹۷

^۲ حضرت بهاء‌الله؛ بیانیه جامعه بین‌المللی بهائی، طبع ۱۹۹۲، ص ۴۳

^۳ خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۳۵

^۴ رساله مدنیّه، ص ۴۷ (طبع مطبعه کردستان علمیه) / ص ۳۴ (طبع آلمان)

^۵ همان مأخذ

^۶ تجلی سوم از لوح تجلیات؛ مجموعه اشراقات، ص ۲۰۳

^۷ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۷۰

^۸ مانده آسمانی، ج ۸، ص ۵۲

^۹ ترجمه - خطابه اول سپتامبر ۱۹۱۲

^{۱۰} ترجمه خطابه ۲۰ مه ۱۹۱۲ مندرج در صفحه ۱۳۵ Promulgation

^{۱۱} نقل ترجمه خطابه حضرت عبدالبهاء از صفحه ۱۶۸ بهاءالله و عصر جدید

^{۱۲} ترجمه - *Paris Talks*، ص ۱۳۳

^{۱۳} خطابات مبارکه، قطع جیبی، طبع ۱۲۷ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری، طهران؛ ص ۱۱۵

^{۱۴} ظهور عدل الهی، ص ۸۵